

بررسی حکم نقصان در یک سجده از دیدگاه فقهای امامیه

محمد نجفی*

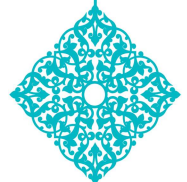
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

چکیده

نماز یکی از واجبات مهم دین اسلام است و احکام و مسائل متعددی را شامل می‌شود. یکی از مباحث مهم در فقه، احکام نقصان در اجزاء نماز است. نقصان به معنای کم شدن چیزی از نماز است که می‌تواند به صورت عمدی یا سهوی اتفاق بیفتد. هدف این تحقیق، بررسی حکم نقصان در یک سجده از دیدگاه فقهای امامیه است. ضرورت این تحقیق، روشن شدن احکام شرعی مربوط به نقصان در اجزاء غیر رکنی نماز و اختلافات موجود در این زمینه است. روش این تحقیق به صورت تحلیلی و توصیفی می‌باشد که به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع شیعی به طور آمیزه‌ای و تلفیقی انجام شده است. نقصان عمدی در یک سجده چه قبل و چه بعد از محل تدارک موجب بطلان نماز می‌شود. نقصان سهوی در یک سجده اگر قبل از محل تدارک باشد باید برگردد و آن را دوباره اعاده کند اما اگر بعد از محل تدارک باشد. اما اگر بعد از محل تدارک باشد میان فقهاء اختلاف می‌باشد مشهور قائل به وجوب سجده سهو همراه با قضای سجده فراموش شده است بعضی دیگر قائل به بطلان نماز می‌باشد و بعضی دیگر قائل به تفصیل شده‌اند بین دو رکعت اول و دو رکعت آخر و نماز در صورت اول باطل می‌شود و در صورت دوم صحیح می‌باشد.

کلیدواژگان: نقصان، عمد، سهو، یک سجده، محل تدارک، رکن، غیر رکن.



مقدمه

نماز، یکی از ارکان اساسی دین اسلام، واجبی است که بر هر مسلمانی تکلیف شده است. این عبادت الهی، دارای احکام و مسائل متعددی است که در علم فقه به طور دقیق بررسی و تبیین شده‌اند. یکی از مباحث مهم در این زمینه، احکام نقصان در اجزاء غیر رکنی نماز است. نقصان به معنای کم شدن چیزی از نماز است که می‌تواند به صورت عمدی یا سهوی اتفاق بیفتد.

این پژوهش با هدف بررسی حکم نقصان در یک سجده از دیدگاه فقهای امامیه انجام شده است. ضرورت این تحقیق، روشن شدن احکام شرعی مربوط به نقصان در اجزاء غیر رکنی نماز و اختلافات موجود در این زمینه است.

در این تحقیق، انواع آن (عمدی و سهوی) پرداخته می‌شود. سپس، حکم نقصان در یک سجده از دیدگاه فقهای امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حکم نقصان عمدی در یک سجده

در این قسمت از پژوهش در صدد بیان حکم نقصان عمدی در یک سجده می‌باشیم. کلام علامه حلی

ایشان در کتاب نهاییه خود می‌فرمایند اگر کسی به یکی از واجبات نماز عمداً اخلالی ایجاد کند نماز او باطل می‌باشد (حلی، نهاییه الاحکام، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۵۲۷).

از جمله ادله‌ای که علامه حلی برای حکم بطلان بیان می‌کنند عبارت است از اینکه مکلف مأمور به یعنی آنچه از جانب شارع تعیین شده است و باید انجام می‌داده است را انجام نداده است پس عهد و امر مولی بر گردن او باقی است خواه اخلال به شرط مانند طهارت و استقبال و ستر عورت یا جزئی مانند رکوع و سجود و قرائت و تسبیح رکوع یا تسبیح سجود یا کیفیت نماز مانند طمانینه و اعراب قرائت و یا به ترک باشد مانند پشت به قبله کردن و یا صحبت کردن باشد و همچنین علامه در اینجا ادعای اجماع کرده‌اند و بیان کرده‌اند که در این مسئله خلافی وجود ندارد (همان).



کلام مقدس اردبیلی

در این فرض نماز باطل است (اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۱۴۰۳ق: ، ج ۳، ص ۴۷).

ایشان دلیل بطلان نماز در این فرض را در کتاب مجمع الفائدة و البرهان این گونه بیان می‌کنند نماز باطل است به دلیل اینکه مامور به را یعنی آنچه که باید انجام می‌شده است و حد و حدود آن را شرع تعیین کرده است انجام نداده است به گونه‌ای که ذمه‌ی او بری شود و همچنین اگر این اخلال در صفات نماز اتفاق بیفتد یعنی در کیفیتی خاصی که هر جز باید با آن گونه انجام شده باشد مانند جهر و اخفات و همچنین اگر شرطی از نماز را عمدا ترک کند زیرا که ترک شرط مستلزم ترک مشروط است و در اینجا مراد از مشروط همان مامور به می‌باشد حال که نماز به طور صحیح محقق نشده است یعنی به گونه‌ای انجام نشده که مسقط قضاء و موجب بری ذمه شدن شود پس امر مولی بر گردن و عهده مکلف باقی می‌باشد فلذا نماز باطل می‌باشد (همان).

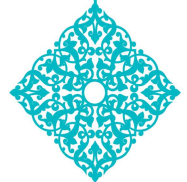
کلام شهید ثانی

شهید ثانی در کتاب مسالک الأفهام خود بیان می‌کنند که اگر کسی به صورت عمد اخلالی به یکی از واجبات نماز ایجاد کند موجب بطلان نماز می‌شود خواه آن جزئی از اجزاء نماز یا شرطی از شروط نماز یا از کیفیت نماز باشد (عاملی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام؛ ۱۴۱۳ق: ، ج ۱، ص ۲۸۳).

کلام موسوی عاملی

در کتاب مدارک الاحکام ایشان بیان کرده‌اند که اگر کسی از روی عمد اخلالی در نماز ایجاد کند حال چه در شرایط و یا در واجبات نماز باشد نمازش باطل می‌باشد (عاملی، مدارک الاحکام، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ص ۲۱۱).

ایشان در کتاب مدارک ادعای اجماع در این مسئله می‌کنند و بیان می‌کنند که اصحاب اجماع کرده‌اند به اینکه هر کسی اگر از روی عمد اخلالی در یکی از شرایط یا واجبات نماز ایجاد کند نمازش باطل است زیرا که اخلال به شرط اخلال به مشروط است و همچنین اخلال به جزء و کیفیت نماز اخلال به حقیقت نماز که مجموع این اجزاء می‌باشد





است پس اختلال در یکی از این موارد موجب می‌شود که مامور به را امتثال نکرده باشد(همان).

کلام فاضل نراقی

فاضل نراقی در کتاب المستند بیان می‌کنند که هر کسی اگر نقصانی در یکی از واجبات نماز از روی عمد ایجاد کند نماز او باطل است خواه آن نقصان از اجزاء و یا اوصاف و یا از شروط نماز باشد(نراقی، مستند الشیعه، ۱۵:ق: ۱، ج ۷، ص ۸۶).

کلام صاحب ریاض

ایشان می‌فرمایند هر کسی از روی عمد در یکی از واجبات نماز اخلالی ایجاد کند خواه آن واجب شرطی از شروط نماز مانند وقت و قبله و طهارت و ستر عورت یا جزئی از اجزاء نماز اگر چه غیررکن باشد مانند قرائت و اجزائی قرائت یا کیفیتی از نماز مانند جهر و اخفات و طمانینه باشد موجب بطلان نماز می‌شود(طباطبایی، ریاض المسائل، ۱۸:ق: ۴، ج ۴، ص ۹۵).

ایشان علت این حکم را این گونه بیان می‌کنند که اصل در این فرض عدم اتیان مامور به به گونه‌ای که مطلوب شارع است یعنی آنچه که از سوی شارع مطلوب بوده است و تعیین شده است باید انجام شود اما در اینجا انجام نشده است پس تکلیف بر عهده مکلف باقی می‌کنند(همان).

کلام صاحب الجواهر

ایشان می‌فرمایند اگر کسی از روی عمد اخلالی به یکی از واجبات نمازی خواه برای نماز واجب باشند یا در نماز واجب باشند ایجاد کند نماز او باطل است خواه اخلالی به شرطی از شروط نماز مانند وضو و ستر عورت و طهارت لباس و مانند آن باشد خواه به جزئی از نماز مانند قرائت و سجود و خواه به کیفیتی از نماز مانند جهر و اخفات و ترک فعلی باشد مانند کلام و التفات و قهقهه باشد(نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴:ق: ج ۱۲، ص ۲۲۸).

ایشان می‌فرمایند در اصول تبیین کردیم که نهی در عبات اقتضای فساد دارد و فرقی هم نمی‌کند که این نهی به خود عبادت خورده باشد یا به شرط عبادت یا به خارج از عبادت مانند نهی از دست روی دست گذاشتن مانند عامه و صحبت کردن اگر چه اقتضای نهی در بعضی از این موارد عقلی است و در بعضی دیگر عرفی است اما این دو اقتضاء مشترک هستند در این مأموریه را آن گونه که باید انجام می‌شده است را انجام نداده است زیرا که اخلال به جزء مانند اخلال به کل است و همچنین منعدم شدن مشروط با انعدام شدن شرط پس تکلیف بر عهده مکلف باقی می‌ماند. از جمله ادله‌ی دیگری که ایشان بیان می‌کنند اجماع است (همان).

کلام سید حکیم

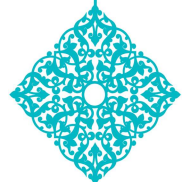
ایشان در کتاب مستمسک می‌فرمایند اخلال عمدی در نماز موجب بطلان آن می‌شود چه به زیاد کردن و یا کم کردن و ترک کردن باشد حتی اگر اخلال عمدی به حرفی از قرائت یا اذکار یا حرکات یا موالات بین حروف کلمه یا کلمات آیات باشد (حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۴۱۶ق: ج ۷، ص ۳۸۱).

دلیلی که سید حکیم در کتاب مستمسک برای این حکم به بطلان بیان می‌کنند اجماع صریح و ظاهر است همانطور که جماعتی نیز این ادعا را کرده‌اند. زیرا اگر جزء فوت شود کل نیز فوت می‌شود و شرط فوت شود مشروط نیز فوت می‌شود (همان).

کلام امام خمینی (ره)

اگر خللی از روی علم یعنی اینکه مکلف بداند که این کاری که انجام می‌دهد خلل است و التفات یعنی بدانند و حواسش باشد که در نماز است بدون هیچ عذری انجام دهد یعنی اینکه از روی تقیه و مانند آن نباشد موجب بطلان نماز می‌شود مطلقاً چه به اضافه کردن باشد و چه به ترک کردن باشد چه آن جزئی که ترک شده است رکن باشد و چه اینکه غیر رکن باشد مثلاً جزئی را اعم از رکن و غیر از رکن و یا شرطی و مبطلی را ایجاد کند.

دلیل اول: زیرا فرض صحت نماز در صورت انجام خلل عمدی مستلزم خلف می‌شود چرا که این مورد از موارد قدر متیقن از خلل می‌باشد که موجب بطلان نماز می‌شود.





دلیل دوم: دلیل دومی که برای بطلان نماز در این فرض بیان می‌کند عبارت است از اینکه در این فرض یعنی ترک کردن جزئی دیگر ماتی به یعنی آنچه که انجام شده است مطابق با مأموریه یعنی آنچه که باید انجام می‌شده است و از جانب شارع تعیین شده بود نمی‌باشد و مستلزم باقی ماندن امر مولی و عدم حصول امتثال است.

کلام سید خوئی

ایشان نیز حکم به بطلان می‌دهند اگر چه اخلال به یک حرف از حروف قرائت یا اذکار یا حرکتی از حرکات سه گانه یا موالات بین حروف کلمه یا کلمات آیات باشد (خوئی، موسوعه الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۸، ص ۱۱).

ایشان می‌فرمایند اثبات بطلان نماز از جهت نقیصه یا همان ترک کردن آسان‌تر از جهت زیادی است زیرا در این جا مطابق با قاعده است و نیازی به آوردن نص خاصی نیست زیرا که امر مولی به یک شی مرکب تعلق گرفته است و این امر مولی امتثال نمی‌شود و بری ذمه نمی‌شود و از عهده مکلف برداشته نمی‌شود مگر اینکه تمام اجزاء آن مرکب را اتیان کرده باشد.

پس اخلال به بعضی از آن اگر چه کم باشد مثلاً کلمه‌ای را حذف کند یا حرفی و یا حتی حرکتی از حرکات سه گانه اخلال به کل حساب می‌شود و ترک کردن جزئی در مرکب با فرض اینکه اجزاء این مرکب با یکدیگر مرتبط هستند مانند ترک یک واجب کلا است که موجب بطلان نماز و اعاده آن می‌شود (همان).

آیا حدیث لا تعاد شامل این قسم از خلل عمدی می‌شود؟

در این جا در صدد بیان پاسخ به این سوال هستیم که آیا حدیث لا تعاد شامل این مورد نیز می‌شود یعنی حدیث لا تعاد خلل عمدی را نیز خارج می‌کند.

کلام شیخ انصاری

اگر کسی به یکی از واجبات نماز که مدخلیت آن در نماز ثابت شده است از روی عمد اخلالی ایجاد کند خواه آن واجب فعلی از افعال نماز یا کیفیت نماز یا شرطی از شروط نماز یا از افعال ترکی نماز باشد حالا چه رکن باید و چه غیررکن باشد موجب بطلان نماز می‌شود (انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۲۰).

ایشان دلیل بطلان را اینگونه بیان می‌کنند که دلیل بطلان این فرض بدیهی است زیرا که مدخلیت چیزی در نماز معنا ندارد مگر اینکه با انتفای آن شی نماز نیز منتفی شود هنگامی که آن اخلال عمدی باشد و در این هنگام ماتی به یعنی آنچه که انجام شده است مطابق با مأموریه نمی‌باشد و این معنای بطلان در عبادت است (همان).

کلام سید حسن بجنوردی

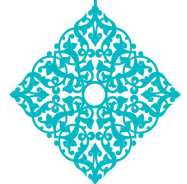
خلل عمدی موجب بطلان نماز می‌شود حتی اگر در قرائت سوره حمد یا سوره یا در اذکار نماز باشد و همچنین در بطلان نماز به وسیله خلل عمدی فرقی نمی‌کند به اینکه در ارکان نماز یا غیر آن باشد (البجنوردی، القواعد الفقهیة، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۱۰۸).
زیرا زمانی یک عمل مرکب امتثال می‌شود که تمام اجزاء و شرایط آن انجام شده باشد پس اگر اخلالی عمدی در بعضی از اجزاء و شرایط خواه از شرایط خود نماز یا شرایط اجزاء نماز یا شرایط شرایط نماز باشد امتثال انجام نشده است و به مقتضای ادله اعتبار اجزاء و شرایط اعاده واجب می‌باشد. (همان) آیا حدیث لا تعداد شامل این مقام می‌شود؟
اما حدیث لا تعداد شامل خلل عمدی نمی‌شود بلکه قبلا بیان کردیم که بعد از آنکه جزئیّت و شرطیت آن را قبول کردیم دیگر حدیث لا تعداد شامل این مورد نمی‌شود (للفیاض، تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ص ۶۶).

کلام علی پناه اشتهاردی

خلل عمدی موجب بطلان نماز می‌شود خواه با اضافه کردن جزئی و خواه با ترک کردن جزء از اجزاء نماز یا شرطی از شروط نماز باشد (الاشتهاردی، مدارک العروة، ۱۴۱۷ق: ج ۱۷، ص ۳۹۶).

کلام محمد اسحاق فیاض کابلی

خلل عمدی در تمام اقسام موجب بطلان نماز می‌گردد (الفیاض، تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ص ۶۶).





حکم نقصان سهوی در یک سجده

در این قسمت از پژوهش به بیان اقوال و ادله حکم نقصان سهوی در یک سجده می‌خواهیم به پردازیم که حکم این مسئله خود به چندین دسته تقسیم می‌گردد که در ادامه به تشریح آنان پرداخته می‌شود.

قائلین به بطلان نماز

در این قسمت از پژوهش به بیان اقوال و ادله قائلین به بطلان نماز در صورت نقصان سهوی در یک سجده پرداخته می‌شود.

کلام ابن ابی عقیل

کلام ابن عقیل در این ظهور دارد که اگر سجده واحد ترک شود در هر صورت موجب بطلان نماز می‌گردد خواه در دو رکعت اول باشد یا در دو رکعت آخر.

زیرا که این گونه بیان کرده‌اند «من سها عن فرضه فزاد فيه أو نقص منه أو قدم منه مؤخرًا أو أخر منه مقدمًا فصلاته باطله، و عليه الإعادة» (ابن عقیل، مجموعه فتاوی ابن ابی عقیل، ۱۴۰۳ق: ص ۶۶)».

در موضع دیگر نیز این گونه بیان کرده‌اند آنچه که موجب فساد در نماز می‌شود و موجب اعاده نماز می‌گردد یک از واجبات نماز را فراموش کنی حتی اگر از روی سهو باشد (للفیاض، تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ص ۶۶).

ایشان این حکم را به دلیل به دلیل روایت معلی که عبارت است از: «معلى بن خنيس قال: سألت أبا الحسن الماضي عليه السلام في الرجل ينسى السجدة من صلاته، قال إذا ذكرها قبل ركوعه سجدها، و بني على صلاته، ثم سجد سجدتي السهو بعد انصرافه، وان ذكرها بعد ركوعه أعاد الصلاة و نسيان السجدة في الأولتين و الأخيرتين سواء» بیان کرده‌اند (همان).

به شیخ کلینی (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ص ۳۶۱) و عمانی (حکاه عنه فی المختلف، ج ۲، ص ۳۷۲) نسبت داده که قائل به بطلان نماز شدن در صورت فراموش کردن یک سجده و حکم آن مانند فراموشی دو سجده می‌باشد و حکم یک سجده همان حکم دو سجده می‌باشد.

می توان به صورت زیر بر قول آنان استدلال کرد:

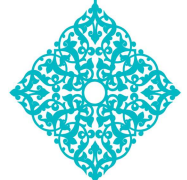
صورت اول: به دلیل حدیث لاتعداد زیرا که مستثنی در حدیث لاتعداد طبیعت سجود می باشد که هم بر یک سجده و هم بر دو سجده صدق می کند پس به اطلاق حدیث لاتعداد اخذ می کنیم و حکم به بطلان نماز می دهیم.

اگر ما فقط همین دلیل را می داشتیم این کلام صحیح می بود اما روایاتی که که قبلا بیان کردیم دلالت بر عدم بطلان نماز در صورت فراموشی یک سجده می کند موجب می شود حدیث لاتعداد را اختصاص بدهیم به جایی که دو سجده فراموش شده باشد.

صورت دوم: به دلیل روایت معلی «قال: «سألت أبا الحسن الماضي (عليه السلام) في الرجل ينسى السجدة من صلاته، قال: إذا ذكرها قبل ركوعه سجدها و بنى على صلاته ثم سجد سجدة في السهو بعد انصرافه، وإن ذكرها بعد ركوعه أعاد الصلاة، و نسيان السجدة في الأولتين و الأخيرتين سواء» || این روایت هم از جهت سند و هم از جهت دلالت مخدوش می باشد.

اما از حیث دلالت: زیرا که تصریح در فراموشی یک سجده ندارد بلکه نهایتا با اطلاق شامل یک سجده بشود مانند حدیث لاتعداد پس این روایت نیز با روایات گذشته که دلالت بر عدم بطلان می کردند تقیید می خورد.

اما از حیث سند: زیرا که این روایت مرسل می باشد چون شخصی که از معلی نقل می کند مجهول می باشد شاید کذاب باشد بلکه ظاهرا آن شخص کذاب باشد زیرا از معلی از ابی حسن ماضی که امام کاظم (علیه السلام) باشد روایت نقل کرده است کینه امام کاظم (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) هر دو ابو حسن می باشد اما به دلیل اینکه امام کاظم (علیه السلام) زودتر فوت کرده اند ایشان را ملقب به ماضی می کنند پس ظاهر روایت آن است که معلی از امام کاظم (علیه السلام) نقل کرده است در حالی که معلی در زمان امام صادق کشته شده است و همچنین امام دستور به قتل قاتل ایشان داده اند پس چگونه کسی که در زمان امام صادق (علیه السلام) کشته شده است می توان از امام کاظم (علیه السلام) روایت کند.





اما احتمال اینکه این روایت را در زمان حیات پدرش نقل کرده است به دلیل وجود وصف ماضی رد می‌شود زیرا به کسی ماضی نمی‌گویند مگر بعد از آنکه آن شخص فوت کرده باشد همانطور که احتمال اینکه توصیف از غیر معنی باشد بعید است زیرا شخصی که از معنی نقل کرده است جملات معنی را نقل کرده است و ایشان آن توصیف را بیان کرده‌اند پس اماره کذب در روایت موجود می‌باشد پس در هر صورت این روایت از حیث دلالت و سند ساقط می‌باشد.

قول نعمانی و شیخ کلینی

اگر سجده را فراموش کند نماز باطل می‌باشد اما در کتاب تذکره و ذکری اجماع بر خلاف ایشان نقل شده است.

شواهد قول نعمانی و شیخ کلینی

روایت اول: «خبر المعلى بن خنيس: «سألت أبا الحسن الماضي (ع) في الرجل ينسى السجدة من صلاته. قال (ع): إذا ذكرها قبل ركوعه سجدها و بنى على صلاته، ثم سجد سجدة في السهو بعد انصرافه. وإن ذكرها بعد ركوعه أعاد الصلاة و نسيان السجدة في الأولتين و الأخيرتين سواء (عاملي، الوسائل، ۱۴۰۹ق: باب ۱۴ من أبواب السجود حديث ۵)».

خود این روایت ضعیف می‌باشد زیرا که معنی در زمان حیات امام صادق (ع) عیله السلام) فوت شده است چطور می‌شود از ابی حسن ماضی یعنی امام کاظم (علیه السلام) روایت نقل کند؟ و بعید این روایت را حمل کنیم بر اینکه معنی از پدر امام کاظم (علیه السلام) یعنی امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است زیرا که آن با کلمه ماضی یعنی امام کاظم (علیه السلام) توضیف کرده است مگر اینکه بگوییم این توصیف از معنی نمی‌باشد اما به دلیل اینکه هم مخالفت با اجماع کرده است و هم اخباری که تصریح در خلاف آن را دارند مجالی برای اعتماد به آن نمی‌گذارد.

اما شیخ مفید و شیخ طوسی قائل به تفصیل شده‌اند بین اینکه اگر در دو رکعت اول باشد با فراموش کردن یک سجده نماز باطل می‌شود اما اگر در دو رکعت آخر باشد نماز را ادامه بدهد و نماز صحیح می‌باشد (حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴۱۶ق: ج ۷، ص

شاهد قول آنان صحیح بزنی می باشد که عبارت است: «قال: «سألت أبا الحسن (ع) عن رجل يصلي ركعتين، فذكر في الثانية- و هو راع- أنه ترك السجدة في الأولى. قال (ع): كان أبو الحسن (ع) يقول: إذا ترك السجدة في الركعة الأولى فلم يدر أ واحدة أو اثنتين استقبلت حتى يصلح لك ثنتان و إذا كان في الثالثة و الرابعة فتركت سجدة- بعد أن تكون قد حفظت الركوع- أعدت السجود(عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق: باب ۱۴ من أبواب السجود حديث ۳)».

اما اعراض مشهور و همچنين معارض بودن آن با روایت جعفر بن بشیر که عبارت است: «بخبر جعفر بن بشیر- المروى فى المحاسن- الذى لا يبعد أن يكون صحيحا قال: «سئل أحدهم (ع) عن رجل ذكر أنه لم يسجد فى الركعتين الأولىين إلا سجدة، و هو فى التشهد الأول. قال (ع): فليسجدها ثم لينهض. و إذا ذكرها- و هو فى التشهد الثانى قبل أن يسلم- فليسجدها ثم يسلم، ثم يسجد سجدة السهو».

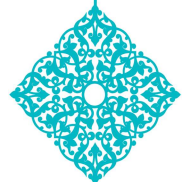
و همچنين خبر محمد بن منصور که عبارت است: «سألته عن الذى ينسى السجدة الثانية من الركعة الثانية أو شك فيها، فقال (ع): إذا خفتان لا تكون وضعت وجهك إلا مرة واحدة، فإذا سلمت سجدة واحدة و تضع وجهك مرة واحدة، و ليس عليك سهو». تمام این اشکالات باعث می شود که ما به این روایت عمل نکنیم اگر چه از لحاظ متن نیز دارای اشکال و اضطراب می باشد فلذا در کتاب و سائل کلمه (بالواحدة و الثنتين) به دلیل قرینه «بعد أن حفظت الركوع» آن را بر رکعات حمل کرده است. (حکیم، مستمسک العروة الوثقى، ۱۴۱۶ق: ج ۷، ص ۴۱۱).

قائلین به تفصیل بین رکعات نماز

همچنين شيخ مفيد(مفيد، المقنعة، ۱۴۱۳ق: ، ص ۱۴۵) و شيخ طوسي(طوسي، التهذيب، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۵۴) قائل به تفصیل شده اند بين دو ركعت اول و دو ركعت اخر و نماز در صورت اول باطل می شود و در صورت دوم صحیح می باشد.

ادله قائلین به تفصیل

روایت: صحیحه بزنی: «قال: «سألت أبا الحسن (عليه السلام) عن رجل يصلي ركعتين ثم ذكر في الثانية و هو راع أنه ترك السجدة في الأولى، قال: كان أبو الحسن (عليه السلام)





يقول: إذا ترك السجدة في الركعة الأولى فلم يدر واحدة أو ثنتين استقبلت الصلاة حتى يصح لك ثتان، و إذا كان في الثالثة و الرابعة فتركت سجدة بعد أن تكون قد حفظت الركوع أعدت السجود (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۳۶۵ أبواب السجود ب ۱۴ ح ۳).

دلالت بر این مطلب می‌کند که اگر یک سجده فراموش شده در دو رکعت اول باشد نماز باطل می‌باشد و اگر در دو رکعت آخر باشد نماز صحیح می‌باشد پس به وسیله این روایت اطلاقات روایات گذشته تقیید می‌خورند.

اما این روایت نمی‌توان استفاده کرد زیرا متن آن اضطراب دارد زیرا فرض سوال ترک سجده می‌باشد و سوال از حکم فراموش کردن آن می‌باشد پس سوال با جواب که متعرض حکم شک در اینکه آیا یک سجده رفته است یا دو سجده منطبق نمی‌باشد فلذا به این دلیل که مراد از «فلم يدر واحدة أو ثنتين» حمل بر شک در رکعت اول یا دوم می‌شود پس دلیل بطلان نماز شک در دو رکعت اول نماز می‌باشد.

اما این حمل بعید می‌باشد زیرا سوال در مورد فراموشی یک سجده است و اینکه در رکعت دوم یادش بیاید که یک سجده را فراموش کرده است پس شک از حیث رکعت نمی‌باشد فلذا ربطی ندارد که متعرض به حکم شک در رکعات بشود.

همچنین در کتاب و سائل نیز احتمال دیگری داده شده است که عبارت است از اینکه شک در ترک سجده در دو رکعت اول یعنی نمی‌داند در رکعت اول یک سجده را فراموش کرده است یا در رکعت دوم اما این احتمال نیز بعید است زیرا با استفاده از فاء تفریعی که در متن آمده است دیگر ارتباطی بین شک در دو رکعت اول و ترکس سجده پیدا نمی‌شود تا اینکه بیاییم یکی را بر دیگری حمل کنیم.

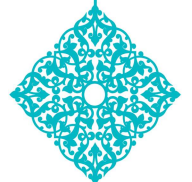
دو احتمال می‌شود در مورد صحیح ذکر کرد:

احتمال اول: مراد از عبارت «إذا ترك السجدة...» این است که شخص علم به ترک سجده در رکعت اول دارد اما نمی‌داند یک سجده یا دو سجده را فراموش کرده است.

احتمال دوم: مراد از آن این است که شخص فکر می‌کند که سجده را فراموش کرده و احتمال ترک سجده را می‌دهد اما جزم و علم به ترک ندارد پس نمی‌داند یک سجده یا دو سجده انجام داده است.

شکی نیست که احتمال اول اظهر می‌باشد حال بنابر دو فرض این روایت ربطی به مقام ما ندارد و نمی‌توان بر آن استدلال کرد اما احتمال دوم که واضح است زیرا در این فرض ناظر به حکم شک می‌باشد و این فرض آن فرضی که سوال نمی‌باشد چون سوال کننده یقین به ترک دارد پس امام از جواب دادن به او به دلیل تقیه یا ادله‌ی دیگری اعراض کرده است بدون شک در این صورت به اقتضای قاعده حکم صحت نماز می‌باشد زیرا طبق فرض سوال کننده بعد از تجاوز از محل سجده شک می‌کند که آیا آن را انجام داده است یا خیر؟ که در این صورت به اقتضای قاعده تجاوز به شک خود نباید اعتنا کند یا اینکه در نهایت حکم آن بطلان نماز می‌باشد و باعث تخصیص قاعده تجاوز می‌شود در حالی در مقام ما جاری نمی‌باشد پس در هر صورت این روایت از مقام ما اجنبی می‌باشد. اما در احتمال اول مقتضای قاعده جمع کرده بین اعاده و قضای سجده فراموش شده می‌باشد زیرا که علم اجمالی به یکی از این دو تکلیف داریم که این علم اجمالی ناشی از علم به ترک یک سجده یا دو سجده می‌باشد اما اکتفا به اعاده مانعی ندارد و نیازی به به اتمام نماز و قضای سجده فراموش شده نمی‌باشد زیرا ادله حرمت قطع نماز شامل این مورد نمی‌شود چراکه نمی‌توان یک نماز مجزی را در این حال امثال کرد همچنین بر فرض ثابت بودن دلیل حرمت قطع نماز مختص به جایی است که بتوان نماز را به صورت صحیح تمام کرد در حالی که این فرض مسئله ما نمی‌باشد شاید امام به این دلیل حکم به اعاده داده‌اند.

اما کلام گذشته بنابر قول به مجزی بودن علم اجمال می‌باشد اما بنابر انحلال علم اجمالی که همین نظر هم صحیح می‌باشد شخص علم تفصیلی به ترک سجده دوم دارد و همچنین ثابت کردیم که به وسیله تعبد شرعی سجده اول را انجام داده است به دلیل قاعده تجاوز زیرا اول بعد از رکوع شک می‌کند در ترک سجده دوم که آیا موجب بطلان





می‌شود یا خیر؟ و مقتضای قاعده در این مقام عدم اعتناء می‌باشد و باید بناء را بر انجام آن بگذارد.

پس طبق این مبنا روایت صحیحه مرتبط با مقام ما می‌باشد زیرا که در صدد بیان حکم کسی است که یک سجده را فراموش کرده است پس دلالت بر قول شیخ طوسی می‌کند زیرا که متضمن بطلان نماز می‌باشد در صورتی که یک سجده فراموش شده در دو رکعت اول باشد اما همچنان نمی‌توان به آن استدلال کرد زیرا اگر مراد این می‌بود باید با بطلان جواب شخص را می‌داد و نیاز به بیان فرض شک در ترک اول یا دوم نمی‌بود که این عمل خود یک نوع تقیید می‌باشد.

اما انصاف این است که روایت صحیحه خالی از اجمال و اشکال نمی‌باشد پس نمی‌توان به آن استدلال کرد اگر دلالت این روایت را نیز قبول کنیم تعارض به وجود می‌آید با روایاتی که قبلاً ذکر کردیم و دلالت بر صحت و قضای سجده فراموش شده می‌کرد و نمی‌توان آن روایات را با این روایت تقیید زد زیرا مستلزم حمل بر فرد نادر می‌باشد زیرا تمام آن نصوص در صدد بیان حکم در اثنای نماز می‌باشد که تفصیل است بین اینکه قبل یا بعد از رکوع یادش بیاید و در صورت اول باید سجده تدارک کند و در صورت دوم باید قضای سجده را بجا بیاورد.

پس بنابراین شامل رکعت چهارم و غیر آن نمی‌شود زیرا مفروض این است دو رکعت اول خارج هستند به دلیل اقتضای روایت و از این کلام هم متوجه می‌شویم که شامل نمازهای دو رکعتی و سه رکعتی نیز نمی‌شود پس همه خارج شدند مگر رکعت سوم در نمازهای چهار رکعتی پس آن حمل باعث می‌شود همه آن اطلاقات را بر این صورت حمل کنیم که عبارت است از حمل مطلق بر فرد نادر و این امر قبیح است.

پس راهی برای تقیید وجود ندارد بلکه تعارض برقرار است در حالی که شکی نیست که ترجیح با آن اخبار است زیرا آنان بیشتر و همچنین شهرتی بیشتری دارند و این روایت شاذ است پس این قول نیز ضعیف می‌باشد.

شیخ مفید: اگر در رکعت اول یک سجده را فراموش کرد و بعد از رکوع یادش آمد باید در رکعت دوم سه سجده برود و همچنین اگر یک سجده از رکعت دوم و سوم

فراموش کرد در رکعت بعد از آن باید سه سجده برود و اگر یک سجده از رکعت چهارم بود باید بعد از نماز انجام دهد اما مدرکی برای این قول اصلاً پیدا نکردیم شاید دلیلی داشته باشند که به ما نرسیده باشد در حالی که به مقتضای قاعده عدم جواز می‌باشد زیرا که یک سجده در غیر محل خودش اضافه کرده است.

پدر شیخ صدوق: یک سجده فراموش شده اگر از رکعت اول بود در رکعت سوم آن را انجام دهد و اگر از رکعت دوم بود در رکعت چهارم آن را انجام می‌دهد و اگر از رکعت سوم بود بعد از سلام آن را قضا می‌کند و دلیل این قول از کتاب فقه رضوی می‌باشد زیرا آنچه که حکایت شده است موافق مضمون آن می‌باشد اما این قول برای ما حجت نمی‌باشد پس تمام اقوال ساقط می‌باشد و آنچه که متعین است قول مشهور می‌باشد.

قائلین به قضای سجده فراموش شده علاوه بر انجام سجده سهو

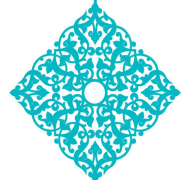
کلام یوسف بحرانی

کسی که یک سجده یا هر دو سجده را فراموش کند اگر قبل از رکوع یادش بیاید باید برگردد و آن را انجام دهد و سپس نماز را ادامه دهد. (بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۴۰۵ق:، ج ۹، ص ۱۳۵)

بین فقهاء مشهور است که اگر کسی یک سجده را فراموش کرد و تا بعد از رکوع یادش نیامد که یک سجده را فراموش کرده است باید پس از نماز آن یک سجده فراموش شده را قضا کند و واجب است سجده سهو نیز برود اعاده نماز واجب نمی‌باشد (همان، ص ۱۴۵).

این حکم در یک سجده مورد اتفاق فقهاء می‌باشد همانطور که تعدادی از فقهاء آن را نقل کرده‌اند و همچنین اخباری نیز بر این حکم دلالت می‌کند

روایت اول: «ما رواه الشيخ فی الصحيح عن إسماعیل بن جابر عن ابی عبد الله (علیه السلام) «فی رجل نسی أن یسجد السجدة الثانية حتی قام فذکر و هو قائم انه لم یسجد؟ قال فلیسجد ما لم یرکع فإذا رکع فذکر بعد رکوعه انه لم یسجد فلیمض علی صلاته حتی یسلم ثم یسجدها فإنها قضاء (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ه ق، الباب ۱۴ من السجود)».





روایت دوم: «و ما رواه ابن بابويه في الصحيح عن ابن مسكان عن ابي بصير و هو ليث المرادي بقرينه الراوى عنه - قال: «سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن رجل نسي أن يسجد سجده واحدة فذكرها و هو قائم؟ قال يسجدها إذا ذكرها ما لم يركع فان كان قد ركع فليمض على صلاته فإذا انصرف قضاها وحدها و ليس عليه سهو(همان)».

در سه موضع از این مسئله اختلاف شده است (بحرانی، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ۱۴۰۵ق: ج ۹، ص ۱۴۵).

موضع اول: در وجوب قضای یک سجده فراموش شده

اکثر فقهاء قائل به این حکم شده‌اند و اما شیخ در کتاب تهذیب بیان کرده‌اند که اگر فراموشی یک سجده در دو رکعت اول باشد باید نماز را اعاده کند و همچنین در کتاب ذکری از شیخ مفید و شیخ طوسی در کتاب تهذیب حکایت شده است که هر سهوی که در دو رکعت اول محقق شود موجب بطلان نماز می‌گردد و شیخ طوسی این قول را از بعضی از فقهاء نقل کرده‌اند و قبلاً بیان کردیم رای ابن ابی عقیل را که حکم به بطلان نماز داده‌اند در صورت ترک هر گونه سجده خواه در دو رکعت اول یا دو رکعت آخر باشد.

اما اخباری که دلالت بر قول مشهور می‌کند دو روایت صحیح از اسماعیل بن جابر و ابی بصیر و مانند این دو روایت می‌باشد.

روایت اول: «ما رواه الشيخ في الصحيح عن ابن ابی يعفور عن ابی عبد الله (عليه السلام) قال: «إذا نسي الرجل سجده و أيقن انه قد تركها فليسجدها بعد ما يقعد قبلان يسلم و إن كان شاكا فليسلم ثم يسجدها و ليتشهد تشهدا خفيفا و لا يسميها نقره فإن النقره نقره الغراب(عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق:، الباب ۱۶ من السجود)».

ظاهر آن است که مراد از «بعد ما يقعد» بعد از تشهد می‌باشد زیرا که قبلاً بیان کردیم اخباری را که دلالت بر وقوع همچنین مجازگویی‌هایی در کلام فصیح عرب که از ائمه (علیهم السلام) به ما رسیده است.

روایت دوم: «و ما رواه الشيخ عن عمار بن موسى الساباطی فی الموثق عن ابی عبد الله (عليه السلام) «انه سئل عن الرجل ينسى سجده فذكرها بعد ما قام و ركع؟ قال يمضى

فی صلاته و لا یسجد حتی یسلم فإذا سلم سجد مثل ما فاته. قلت فان لم یذكر الا بعد ذلك؟ قال یقضی ما فاته إذا ذكره (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق: الباب ۱۴ من السجود).

اخباری که شیخ بر آنان احتجاج کرده است.

روایت اول: «بما رواه عن احمد بن محمد بن ابی نصر فی الصحیح قال

«سألت أبا الحسن (عليه السلام) عن رجل صلى ركعتين ثم ذكر في الثانية و هو راع انه ترك سجدة في الأولى؟ فقال كان أبو الحسن (عليه السلام) يقول إذا تركت السجدة في الركعة الاولى و لم تدر واحدة أو اثنتين استقبلت حتى یصح لك اثنتان، و إذا كان فی الثالثة و الرابعة فتركت سجدة بعدان تكون قد حفظت الركوع أعدت السجود(همان)».

روایت دوم: «و رواه الكلینی فی الصحیح ایضا بما هذه صورته قال: «سألته عن رجل صلى ركعة ثم ذكر و هو فی الثانية و هو راع انه ترك سجدة من الأولى؟ فقال كان أبو الحسن (عليه السلام) يقول إذا تركت السجدة فی الركعة الاولى و لم تدر واحدة أم ثنتين استقبلت الصلاة حتى یصح لك انهما ثنتان(همان)».

در حالی که این روایات بر مدعی شیخ طوسی منطبق نمی باشد و همچنین ظاهراً راوی خبر به دو گونه بیان کرده است یک بار به گونه ای که شیخ آن را بیان کرده است و بار دیگر آن گونه که در کتاب شریف کافی نقل شده است.

اما روایت دیگر وجود دارد که قول شیخ را تقویت می کند که عبارت است از: «روایة الشيخ ما رواه الحمیری فی قرب الاسناد عن احمد بن محمد بن عیسی عن احمد بن محمد بن ابی نصر. الحدیث كما فی التهذیب الا انه قال: «بعدان تكون قد حفظت الركوع و السجود(همان)».

چون می شود این روایت در تقویت قول شیخ قبول کرد در حالی که خالی از اشکال نمی باشد بلکه اشکال آن به گونه ای است که موجب می شود نتوان به این روایت استدلال کرد و آن این است که در روایت آمده است «و لم تدر واحدة أو اثنتين» که احتمال دارد مراد از آن یک رکعت یا دو رکعت باشد یعنی در حالی که علم به ترک داری اما شک می کنی در یک رکعت یا دو رکعت بوده است در این صورت نماز باطل است و اشکال





و اختلافی در این حکم وجود ندارد اما این جواب با سوال متناسب نمی‌باشد زیرا احتمال دارد مراد یک سجده یا دو سجده باشد معنای آن اینگونه می‌شود که او علم به ترک سجده دارد اما شک می‌کند آیا دو سجده را فراموش کرده است یا فقط یک سجده را فراموش کرده است بنابراین روایت بر قول شیخ دلالت دارد زیرا به شک بعد از محل اعتنا نمی‌شود پس نماز باطل می‌باشد به دلیل اینکه سجود را ترک کرده است البته احتمال دارد واوی که در عبارت آمده است به معنای (او) باشد و همزه آن را کاتب نیاورده است بنابراین احتمال روایت را حمل بر وجه اول می‌کنیم پس بنا بر وجه اول دلالت بر قول شیخ می‌کند و بنا بر وجه دوم دلالت بر قول دیگری می‌کند که آن از شیخ مفید و شیخ طوسی نقل کردیم که هر شکی در دو رکعت اول موجب بطلان نماز می‌شود پس با توجه به این اجمال و تردد عمل کردن به این روایت در مقابل کثیری از اخبار صحیحی که تصریح در عدم وجود فرق بین دو رکعت اول و دوم می‌کنند.

موضع دوم: در محل انجام قضای سجده فراموش شده بعد از اتمام نماز می‌باشد اکثر فقهاء این قول را اتخاذ کرده‌اند و صحیح اسماعیل بن جابر و ابی بصیر و ابن ابی یغفور و موثقه عمار بر این حکم دلالت می‌کنند.

شیخ ابو حسن اینگونه بیان کرده است به حسب آنچه که در کتاب ذکری از ایشان نقل شده است اگر یک سجده را در رکعت اول فراموش کردی و در رکعت دوم قبل از آنکه به رکوع بروی یادت آمد که یک سجده را فراموش کرده‌ای برگردد و سجده فراموش شده را انجام بده و سپس دوباره رکعت دوم را شروع کن همچنین اگر در رکعت دوم یا سوم یک سجده را فراموش کردی به همین ترتیب عمل کن اما اگر بعد از رکوع یادت آمد کخ سجده را فراموش کرده‌ای نماز را ادامه ده و سپس بعد از سلام آن سجده فراموش شده را قضا کن (بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۴۰۵ق: ج ۹، ص ۱۴۸).

و همچنین در کتاب ذکری از شیخ مفید نقل شده است که ایشان در کتاب غنیه فرموده‌اند اگر بعد از رکوع یادش بیاید که یک سجده را فراموش کرده است باید سه سجده برود که یکی از آنان قضای سجده فراموش شده می‌باشد سپس شهید اول در کتاب

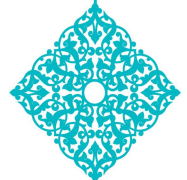
ذکری می‌فرمایند مثل اینکه ایشان به خبری استناد کرده‌اند که آن خبر به دست ما نرسیده است (همان).

اما قول شیخ علی بن بابویه استناد به خبری است که از کتاب فقه رضوی گرفته شده است که عبارت است «حيث قال (عليه السلام): و إن نسيت السجدة من الركعة الأولى ثم ذكرت في الثانية من قبلان تركع فأرسل نفسك و اسجدها ثم قم إلى الثانية و أعد القراءة، فإن ذكرتها بعد ما ركعت فاقضها في الركعة الثالثة، و إن نسيت السجدين جميعا من الركعة الأولى فأعد صلاتك فإنه لا تثبت صلاتك ما لم تثبت الأولى، و إن نسيت سجدة من الركعة الثانية و ذكرتها في الثالثة قبل الركوع فأرسل نفسك و اسجدها فان ذكرت بعد الركوع فاقضها في الركعة الرابعة و إن كانت سجدة من الركعة الثالثة و ذكرتها في الرابعة فأرسل نفسك و اسجدها ما لم تركع فان ذكرتها بعد الركوع فامض في صلاتك و اسجدها بعد التسليم (همان)».

اما به این نکته نیز توجه شود که فتوایی که شیخ مزبور با توجه به این کتاب بیان کرده‌اند در حالی که از اخبار که معارض با این خبر هستند و صریح در مخالفت با این خبر هستند و این روایات در نظر ایشان بوده است نشان از اعتماد شیخ مزبور به این کتاب می‌باشد و همچنین نشانه وثوق روایت دارد به گونه‌ای که قطع به این دارد که این روایت از امام (علیه السلام) صادر شده است و این مویدی برای ما می‌شود که به این کتاب مانند دیگر کتب مشهور روایی عمل می‌کنیم اما آنچه که ظاهر است قول مشهور می‌باشد و همچنین اخباری که قبلا بیان کردیم تقویت کننده این قول می‌باشند.

اما دلیل فتوای شیخ مفید را پیدا نکردم و صورت عبارتی که از رساله غنیه حکایت شده است طبق آنچه که فاضل خراسانی در کتاب ذخیره بیان کرده است عبارت است از «ان ذكر بعد الركوع فليسجد ثلاث سجديات واحدة منها قضاء و الاثنتان للركعة التي هو فيها» و این عبارت از حیث دلالت ظاهرتر از عبارتی است که در کتاب ذکری از شیخ مفید نقل شده است مثل اینکه در کتاب ذکری عبارت را کوتاه کرده است اما فتوای شیخ مفید در کتاب مقنعه موافق با قول مشهور می‌باشد.

موضع سوم: سجده سهو واجب می‌باشد در جایی که یک سجده فراموش شده است.





این قول مشهور همانگونه که قبلاً بیان کردیم بلکه این شهرت را علامه در کتاب منتهی نقل کرده است و در کتاب تذکره نقل شده است که بر این قول اجماع شده است در حالی که ایشان در کتاب مختلف قول مخالف این قول را از ابن ابی عقیل و پسران بابویه و شیخ مفید در کتاب مسائل غریبه نقل کرده است (همان، ص ۱۵۰).

ادله عدم وجوب سجده سهو در این مقام

دلیل اول: اخباری که قائلین به وجوب سجده سهو به آن استناد کرده‌اند.

روایت: «بروایه سفیان بن السمط عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال: «تسجد سجدهتی السهو فی کل زیاده تدخل علیک أو نقصان (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق:، الباب ۳۲ من الخلل فی الصلاة)».

در حالی که می‌دانید این خبر معارضه دارد با بسیاری از اخباری که دلالت بر عدم وجوب سجده سهو در کثیری از مواضع زیادی و نقصان دارد. (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق:، الباب ۳ و ۷ و ۱۴ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ من الخلل فی الصلاة).

دلیل دوم: روایاتی که دلالت بر عدم وجوب سجده سهو می‌کند

روایت اول: «بصحیحه أبی بصیر المتقدمه فی الموضع الثانی من الصورة الثانیة لقوله (علیه السلام) فیها «قضایها وحدها و لیس علیه سهو (بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۴۰۵ق: ج ۹، ص ۱۴۸)».

روایت دوم: «موتقه عمار قال: «سألت أبا عبد الله (علیه السلام). و ساق الخبر الی إن قال: «و سئل عن الرجل ینسی الركوع أو ینسی سجده هل علیه سجدهتا السهو؟ قال لا قد أتم الصلاة (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق:، الباب ۲۳ من الخلل فی الصلاة)».

روایت سوم: «روایه محمد بن منصور قال: «سألته عن الذی ینسی السجده الثانیة من الركعة الثانیة أو شک فیها؟ فقال إذا خفتان لا تكون وضعت وجهک إلا مرة واحدة فإذا سلمت سجدت سجده واحدة و تضع وجهک مرة واحدة و لیس علیک سهو (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق:، الباب ۱۴ من السجود)».

دلیل سوم: اخبار وارده در این مسئله مانند صحیحہ اسماعیل و ابی یعفر و موثقہ عمار زیرا اگر سجده سهو واجب می‌بود باید در این اخبار به آن اشاره می‌کرده است چرا که در مقام بیان بوده‌اند و این عدم اشاره دلیل بر عدم وجوب می‌باشد.

دلیل چهارم: عدم وجب سجده سهو موافق با اصل نیز می‌باشد زیرا اصل برائت ذمه می‌باشد تا اینکه دلیلی بر خلاف آن اقامه شود.

خلاصه آنچه که از ظاهر اخبار برداشت می‌کنیم قول دوم می‌باشد اگر چه عمل به قول مشهور موافق احتیاط می‌باشد (بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۴۰۵ق: ج ۹، ص ۱۵۱).

کلام سید حکیم

قول مشهور قضای سجده فراموش شده می‌باشد همانگونه که در کتب اصحاب و فقهاء شیعه بیان شده است بلکه در کتاب غنیه و مقاصد علیا ادعای اجماع شده است (همان، ص ۱۴۸).

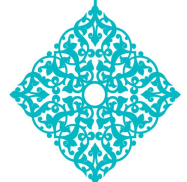
اخبار داله بر وجوب قضای در جایی که یک سجده فراموش شده است.

روایت اول: «صحیح ابن جابر عن ابی عبد الله (ع): «فی رجل نسیان یسجد السجده الثانیة حتی قام فذکر و هو قائم أنه لم یسجد. قال (ع): فلیسجد ما لم یرکع، فاذا رکع فذکر بعد رکوعه أنه لم یسجد فلیمض علی صلاته حتی یسلم ثم یسجدها فإنها قضاء (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق:، باب ۱۴ من أبواب السجود حدیث ۱)».

و مانند آن خبر ابی بصیر که در کتاب فقیه از طریق صحیح نقل شده سات و موثق عمار و خبر علی بن جعفر می‌باشد.

کلام سید خوبی

کسی که یک سجده را فراموش کند اگر قبل از رکوع یادش بیاید که سجده را فراموش کرده است واجب است برگردد و سجده‌ی فراموش شده را انجام دهد اما اگر بعد از رکوع یادش بیاید که یک سجده را فراموش کرده است نماز را ادامه بدهد و پس از سلام قضای سجده فراموش شده را بجا بیاورد در این حکم اشکالی وجود ندارد و همچنین در



این حکم خلافی نیز وجود ندارد. (خویی، موسوعه الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق:، ج ۱۵، ص ۱۶۲)

با قطع نظر از روایات خاصی که در این باب وارد شده‌اند این حکم مطابق با قاعده نیز می‌باشد زیرا اگر قبل از رکوع یادش بیاید چون قیام و قرائت در محل خودشان واقع نشده‌اند زیرا که لازم است به اقتضای ترتیب بین اجزاء بعد از سجده انجام شوند جزء اجزاء نماز محسوب نمی‌شوند بلکه متصف می‌شوند به اضافه سهویه‌ای که مشکلی برای نماز ایجاد نمی‌کند حال که از تدارک دوباره آنان مشکلی برای نماز پیش نمی‌آید پس واجب است و سجده فراموش شده را انجام دهد همچنین به دلیل اینکه قیام و قرائت در محل خودشان انجام نشده‌اند واجب است برگردد و قیام و قرائت را اعاده کند(همان).

اما اگر بعد از رکوع یادش بیاید که یک سجده را فراموش کرده است حال که تدارک جزء فراموش شده ممکن نمی‌باشد زیرا که از با وارد شدن در رکوع از محل خود عبور کرده است و همچنین ثابت شده بود که نماز با فراموشی یک سجده باطل نمی‌شود پس نماز را ادامه بدهد و حکم به صحت نماز داده می‌شود پس دو صورت حکم به اقتضای قاعده ثابت می‌باشد اما قضای آن با نص ثابت می‌شود(همان).

پس در روایت صحیحہ اسماعیل «إسماعیل بن جابر عن أبي عبد الله (عليه السلام) «فی رجل نسی أن یسجد السجدة الثانیة حتی قام فذکر و هو قائم أنه لم یسجد قال: فلیسجد ما لم یرکع فاذا رکع فذکر بعد رکوعه أنه لم یسجد فلیمض علی صلاته حتی یسلم ثم یسجدها فإنها قضاء» و مانند آن صحیحہ ابی بصیر اگر چه از طریق شیخ ضعیف می‌باشد به دلیل وجود محمد بن سنان اما از طریق شیخ صدوق صحیح می‌باشد و این که در روایت اسماعیل امام (علیه السلام) گفته است «فإنها قضاء» کاشف از این است که سجده‌ای که فراموش شده است و قبل از رکوع یادش آمده است و برگشته آن را انجام داده است در محل خود واقع شده است پس باید قیام و قرائت بعد از تدارک سجده را اعاده کند تا اینکه آنان نیز در محل خودشان محقق بشوند.

خلاصه اینکه اخبار وارده در مقام مطابق مقتضای قاعده می‌باشد.



نماز باطل نمی‌باشد به دلیل اینکه حدیث لاتعداد شامل تمام اجزاء و شرایط غیررکنی می‌شود حال اگر محل تدارک باقی بود باید برگردد و تدارک کند اما اگر محل تدارک باقی نباشد نماز را ادامه دهد و چیزی برعهده او نمی‌باشد جزء سجده سهو به دلیل ایجاد نقصان در نماز بنا بر این مبنا که در صورت ایجاد هر زیادی یا نقصانی سجده سهو واجب می‌باشد.

اما یک سجده از این حکم استثناء می‌باشد زیرا در آن علاوه بر وجوب سجده سهو قضای آن سجده فراموش شده نیز واجب می‌باشد اگر بعد از فوت محل یادش بیاید که یک سجده را فراموش کرده است.

قول مشهور

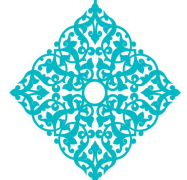
اخباری که دلالت بر قول مشهور می‌کند:

روایت اول: «صحيحه إسماعيل بن جابر: «في رجل نسي أن يسجد السجدة الثانية حتى قام فذكر و هو قائم أنه لم يسجد، قال: فليسجد ما لم يركع، فاذا ركع فذكر بعد ركوعه أنه لم يسجد فليمض على صلاته حتى يسلم ثم يسجدها، فإنها قضاء (عاملي، الوسائل، ١٤٠٩ق: ج ٦، ص ٣٦٤، أبواب السجود ب ١٤ ح ١)» این روایت دلالتش ظاهر است و همچنین سند آن قوی می‌باشد و مانند این روایت مثل موثقه عمار و صحيحه ابی بصير (همان) بنا بر طرقي که شيخ صدق^۱ (صدوق، الفقيه، ١٤١٣ق: ج ١، صص ٢٢٨-١٠٠٨) نقل کرده است اما بنا بر طريقي که شيخ طوسي بيان کرده است به دليل محمد بن سنان (طوسي، التهذيب، ١٤٠٧ق: ج ٢، صص ١٥٢-٥٩٨) ضعيف می‌باشد.

اما از حيث سجده سهو، مشهور قائل به وجوب آن در صورت فراموشی یک سجده شده اند.

ادله قول مشهور

دلیل اول: مرسله سفیان «سفيان بن السمط عن أبي عبد الله (عليه السلام) «قال: تسجد سجدة في السهو في كل زيادة تدخل عليك أو نقصان (عاملي، الوسائل، ١٤٠٩ق: ج ٨، ص ٢٥١، أبواب الخلل الواقع في الصلاة ب ٣٢ ح ٣)» اما اگر چه که قائل به انجبار ضعف سند به وسیله عمل اصحاب باشیم باز هم ضعف آن موجب می‌شود که نتوانیم به آن





استدلال کنیم زیرا مشهور به عموم مضمون آن ملتزم نشده‌اند و حکم به وجوب سجده سهو برای هر زیادی و نقصانی نداده‌اند.

دلیل دوم: صحیح جعفر بن بشیر اما مضمون این روایت این است که یک سجده فراموش شده را قبل از سلام باید تدارک کند پس این روایت با بسیاری از روایات گذشته تعارض دارد اما اینکه بگوییم از آن جهت ساقط باشد دلیل نمی‌شود از جهت سجده سهو نیز ساقط باشد دفع می‌شود زیرا که این روایت روایت در صدد بیان یک حکم یعنی فراموش کردن یک سجده می‌باشد و قبلاً گفتیم که مبتلا به تعارض می‌باشد پس تفکیک ممکن نمی‌باشد.

از تمام آنچه که بیان کردیم نتیجه می‌گیریم آنچه که واجب است در صورتی که یک سجده فراموش شده باشد این است که قضای سجده فراموش شده واجب می‌باشد و انضمام وجوب سجده سهو به آن بنا بر احتیاط می‌باشد (خویی، موسوعه الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۸، ص ۱۰۱).

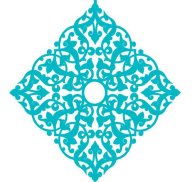
نتیجه گیری

نقصان عمدی در یک سجده چه قبل و چه بعد از محل تدارک موجب بطلان نماز می‌شود.

نقصان سهوی در یک سجده اگر قبل از محل تدارک باشد باید برگردد و آن را دوباره اعاده کند اما اگر بعد از محل تدارک باشد. اما اگر بعد از محل تدارک باشد میان فقهاء اختلاف می‌باشد مشهور قائل به وجوب سجده سهو همراه با قضای سجده فراموش شده است بعضی دیگر قائل به بطلان نماز می‌باشد و بعضی دیگر قائل به تفصیل شده‌اند بین دو رکعت اول و دو رکعت آخر و نماز در صورت اول باطل می‌شود و در صورت دوم صحیح می‌باشد.

فهرست منابع

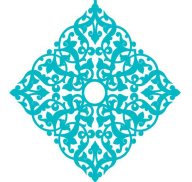
۱. اشتهاردى، على پناه، «مدارك العروء»، تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ ق.
۲. بجنوردى، سيد حسن بن آقا بزرگ موسوى، «القواعد الفقهيّة»، قم: نشر الهادى، ۱۴۱۹ ق.
۳. بحراني، آل عصفور يوسف بن احمد بن ابراهيم، «الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة»، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۵ هـ ق.
۴. بغدادى، مفيد محمد بن محمد بن نعمان عكبرى، «المقنعة للشيخ المفيد»، قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ هـ ق.
۵. حائرى، سيد على بن محمد طباطبايى، «رياض المسائل»، رياض: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۸ هـ ق.
۶. حكيم، سيد محسن طباطبايى، «مستمسك العروء الوثق»، تهران: دار التفسير، ۱۳۷۴ ش.
۷. حلى، ابن ادريس محمد بن منصور بن احمد، «السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى»، قم: انتشارات اسلامى، ۱۴۱۰ هـ ق.
۸. حلى، علامه حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، «تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)»، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۲۰ هـ ق.
۹. _____ «تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ هـ ق.
۱۰. _____ «نهاية الأحكام فى معرفة الأحكام»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ هـ ق.
۱۱. _____ «المعتبر فى شرح المختصر»، قم: مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، ۱۴۰۷ هـ ق.
۱۲. خمينى، روح الله، «الخلل فى الصلاة (امام)»، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار الإمام الخمينى (قدس سره)، ۱۳۹۲ ش.





۱۳. _____ «تحریر الوسیله»، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره)، ۱۳۹۲ش.
۱۴. خمینی، سید مصطفی، «الخلل فی الصلاة»، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره)، ۱۳۷۶ش.
۱۵. خوئی، سید ابوالقاسم، «موسوعه الإمام الخوئی»، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۱۶. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، «أحكام الخلل فی الصلاة»، قم: نشر الكتب المذهبي، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۷. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، «ملحق أحكام الخلل (للشيخ الأنصاري)»، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۸. سبزواری، سید عبد الأعلى، «مهذب الأحكام»، قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۹. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، «ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۲۴۷ هـ.ق.
۲۰. طباطبایی، کربلایی علی بن محمد علی، «ریاض المسائل»، بیروت: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۲۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، «الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد»، تهران: انتشارات کتابخانه، ۱۳۷۵ش.
۲۲. _____ «الخلاف»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۲۳. _____ «الاستبصار فیما اختلف من الأخبار»، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۹۰ هـ.ق.
۲۴. _____ «تهذیب الأحكام»، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۲۵. عاملی، ابو جعفر محمد بن حسن، «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۲۶. _____ «مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام»، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۱ هـ.ق.

۲۷. عاملی، شیخ حرّ، «وسائل الشیعہ»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۸. عاملی، زین الدین بن علی، «مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام»، بيروت: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۹. _____ «مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام»، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۳۰. عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حدّاء، «مجموعه فتاوی ابن ابی عقیل»، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۹۹۷ م.
۳۱. کابلی، محمد اسحاق فیاض، «تعالیق مبسوطه علی العروه الوثقی»، قم: انتشارات محلاتی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳۲. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، «الکافی (ط - الإسلامیة)»، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۳۳. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، «الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة»، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۳۴. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، «ذکر الشیعہ فی أحكام الشریعہ»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۳۵. نائینی، میرزا محمد حسین غروی، «کتاب الصلاة»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۳۶. نجفی، عباس بن حسن بن جعفر، «کاشف الغطاء العروه الوثقی فی الدین»، بیروت: مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۳۷. نجفی، محمدحسن، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳۸. نجفی، محمدحسن، «جواهر الکلام»، بیروت: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۱ هـ.ق.
۳۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، «مناهج الأحكام فی مسائل الحلال و الحرام»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۰ هـ.ق.





۴۰. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، «مصباح الفقیه»، قم: مؤسسه الجعفریه لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ه.ق.
۴۱. یزدی، مرتضی بن عبد الکریم حائری، «خلل الصلاة و أحكامه»، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۲۰ ه.ق.
۴۲. یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم، «جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم»، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ ه.ق.
۴۳. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، «العروة الوثقی مع تعالیک الإمام الخمینی»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۲ ه.ق.
۴۴. یزدی، عبد الکریم حائری، «کتاب الصلاة (للحائری)»، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۰۴ ه.ق.